

کتابخانه ملک اودی

ریپبلکن بکس

تاریخ

جمہیت

جہان

مہینہ علوی مقدمہ

مہینہ نوری گروہ اودی

Reza.Golshah.com
www.KetabFarsi.com

کالین مک اودی
ریچارد جونز

تاریخ جمعیت جهان

مهیاری علوی مقدم

علی رضا نوری گرمروودی

تقدیم به:

آقای دکتر محمد علوی مقدم - آقای حسین نوری

مترجمان

فهرست نویسی پیش از انتشار توسط کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد

McEvedy, Colin	مک اودی، کالین
تاریخ جمعیت جهان / مک اودی، کالین - جونز، ریچارد، ترجمه مهیار علوی مقدم، علیرضا نوری گرمودی - مشهد: انتشارات پاندا، ۱۳۷۲	
۵۱۲ ص: نقشه، نمودار.	
Atlas of World Population History.	عنوان اصلی.
کتابنامه: ص. ۳۹۵-۵۰۰ و در پایان هر بخش.	
۱. جمعیت-تاریخ، ۲. جمعیت-آمار، ۳. جمعیت-جدول و نمودارها	
الف. جونز، ریچارد، ۱۹۶۷- نویسنده همکار. ب. علوی مقدم، مهیار ۱۳۴۴- مترجم ج. نوری گرمودی، علیرضا، ۱۳۴۱- مترجم. د. عنوان.	
۱۱۸۸۵۱/	۳۰۱/۳۲۹

این کتاب با استفاده از تسهیلات حمایتی وزارت ارشاد اسلامی منتشر شده است.



[مشهد، جنت غربی، شماره ۲۰۸ تلفن ۲۹۰۶۹-۰۵۱]

انتشارات پاندا

تاریخ جمعیت جهان	:	کالین مک اودی، ریچارد جونز
تالیف	:	مهیار علوی مقدم، علیرضا نوری گرمودی
ترجمه	:	هاشم جوادزاده
طراح	:	مریم جاودانی یکتا
نمونه خوان	:	نوید اشراقی
تدارکات	:	۱۳۷۲ / مشهد
چاپ اول	:	۴۰۰۰ جلد / وزیری / ۵۱۲ صفحه
تیراژ	:	تکنو تایپ
حروفچینی	:	ظریف
لیتوگرافی	:	زوار
چاپ	:	

برای دریافت مستقیم این کتاب و سایر کتابهای پاندا نشانی خود را برای ما بفرستید.

فهرست

۷	سخن مترجمان
۹	پیشگفتار
۱۳	سرآغاز
	بخش یکم
۱۹	اروپا
۲۱	بررسی کلی
۲۵	منطقه ۱ جزایر بریتانیا
۵۹	۲ کشورهای اسکاندیناوی
۶۵	۳ فرانسه
۷۳	۴ کشورهای سفلا
۸۱	۵ آلمان
۸۹	۶ لهستان
۹۶	۷ بخش اروپایی شوروی سابق
۱۰۳	۸ چک و اسلواکی
۱۰۸	۹ سوئیس و اتریش
۱۱۷	۱۰ مجارستان
۱۲۱	۱۱ رومانی

۱۲۶	۱۲ ایبری
۱۳۵	۱۳ ایتالیا
۱۴۰	۱۴ شبه جزیره بالکان
۱۴۷	۱۵ جزایر (قبرس، مالت، ایسلند، آزور، مادریا و قناری)

بخش دوم

۱۶۷	آسیا
۱۶۹	بررسی کلی
۱۸۱	منطقه ۱ خاور نزدیک
۲۱۷	۲ بخش آسیایی شوروی سابق
۲۲۷	۳ مغولستان
۲۳۰	۴ چین
۲۴۴	۵ کره
۲۴۸	۶ ژاپن
۲۵۲	۷ شبه قاره هند
۲۶۵	۸ جنوب شرقی آسیا

بخش سوم

۲۹۳	افریقا
۲۹۵	بررسی کلی
۳۰۹	منطقه ۱ مغرب
۳۱۵	۲ لیبی
۳۱۸	۳ مصر
۳۲۳	۴ اتیوپی
۳۲۷	۵ سومالی
۳۳۰	۶ سودان
۳۳۴	۷ کشورهای ساحل
۳۳۸	۸ افریقای غربی
۳۴۶	۹ استوائیه، زئیر و آنگولا
۳۵۱	۱۰ افریقای شرقی
۳۵۶	۱۱ جنوب افریقای مرکزی
۳۵۹	۱۲ موزامبیک
۳۶۲	۱۳ افریقای جنوبی
۳۶۹	۱۴ جزایر اقیانوس هند غربی

	بخش چهارم
	امریکا
۳۸۱	
۳۸۳	بررسی کلی
۳۹۶	منطقه ۱ کانادا
۴۰۰	۲ ایالات متحده امریکا
۴۰۸	۳ مکزیک
۴۱۲	۴ امریکای مرکزی
۴۱۷	۵ جزایر کارائیب
۴۲۳	۶ کلمبیا، ونزوئلا و کشورهای گویان
۴۲۸	۷ برزیل
۴۳۲	۸ اکوادور، پرو، بولیوی و پاراگوئه
۴۳۷	۹ آرژانتین، شیلی و اروگوئه
	بخش پنجم
	الیانوسیه
۴۴۹	
۴۵۱	بررسی کلی
۴۵۸	منطقه ۱ استرالیا
۴۶۲	۲ ملانزی
۴۶۷	۳ پلینزی
۴۷۱	۴ زلاندنو
	بخش ششم
	بررسی کلی جهانی
۴۷۷	
۴۸۹	پیوست ۱ اعتماد به فرضیه‌ها
۴۹۱	پیوست ۲ تاریخنگاری
۴۹۵	کتابشناخت
۵۰۱	نمایه

به نام آنکه هستی نام از او یافت

زمین جنبش، زمان آرام از او یافت

به جای مقدمه‌ی ناشر

آمار را می‌توان علم اعداد بزرگ نامید. اما از آنجا که در جهان امروز همه چیز با عدد و رقم بیان می‌شود و تصمیم‌گیری‌های مهم بر اساس اعداد و ارقام استوار است، بیجا نخواهد بود اگر بگوییم "آمار علم سیاست است". اطلاعات آماری، دستمایه‌ای است پر بار جهت اتخاذ تدابیر دقیق جهانی. هر جامعه‌ای که اطلاعات آماری و بخصوص آمار جمعیتی خود را بهتر بتواند مدون و مکتوب نموده و با بهره‌گیری از پردازش صحیح این اطلاعات، راه خود را به درستی انتخاب نماید، زودتر به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود خواهد رسید.

کتاب حاضر چکیده‌ی یافته‌های "پروفیسور کالین مک اودی" و "پروفیسور ریچارد جونز" می‌باشد که توسط آقایان "مهیاری علوی مقدم" و "علیرضا نوری گمرودی" ترجمه شده و چون بر مبنای اصول علمی به رشته تحریر درآمده است می‌تواند برای جمعیت شناسان، آماردانان و علاقه‌مندان به مسایل جمعیتی ایران و جهان مفید افتد، بویژه که بحران جمعیت در کشورهای در حال توسعه به سمت یک انفجار پیش می‌رود.

انفجاری که عمق تخریب آن را می‌توان با نظر به ارقام زیر تا حدودی تخمین زد:

- * - جمعیت جهان در پایان قرن بیستم به $6/3$ میلیارد خواهد رسید.
- * - نرخ رشد جمعیت در کشورهای "صنعت پیش" $0/5\%$ ، در کشورهای در حال توسعه $2/1\%$ و در کل جهان $1/7\%$ است.
- * - میزان باروری در کشورهای "صنعت پیش" $1/9$ ، در کشورهای در حال توسعه $3/7$ و در کل جهان $3/3$ است.
- * - میزان تولد در کشورهای "صنعت پیش" 14 در هزار، در کشورهای در حال توسعه 30 در هزار و در کل جهان 26 در هزار است.
- * - $1/3$ میلیارد انسان بر روی کره زمین در فقر مطلق زندگی می‌کنند.
- * - 2 میلیارد انسان از دسترسی به آب سالم محرومند.
- * - در جهان یک میلیارد نفر بی سواد وجود دارد و حدود 3 میلیارد نفر از مراقبت‌های اولیه‌ی بهداشتی محرومند.
- * - در جهان نزدیک به یک میلیارد نفر بی سرپناه زندگی می‌کنند (زنده هستند) که نیمی از آنان را کودکان تشکیل می‌دهند.
- * - در هر سال تقریباً 14 میلیون کودک زیر 5 سال در سراسر جهان، جان خود را از دست می‌دهند و $100,000$ کودک نیز به بیماری فلج اطفال مبتلا می‌شوند.
- * - در سال 1993 میلادی تعداد پناهندگان 100 میلیون نفر برآورد شده است.
- * -
- * -
- * -
- * -

تصاویر فوق وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که آثار ناشی از انفجار جمعیت را نیز به آن بیفزاییم. از آن جمله است: تخریب محیط زیست، کاهش منابع انرژی، فقر فزاینده در کشورهای جهان سوم، قحطی، گرسنگی، بی سواد، هرج و مرج سیاسی، فروپاشی نظام خانواده و به تبع آن افزایش بزه کاری، ابتدال فرهنگی، بی نظمی، از دست دادن اصالت‌ها و بی‌اعتنایی به قید و بندها و سنت‌های اجتماعی و اخلاقی.

به عقیده کارشناسان، فشار ناشی از افزایش جمعیت به عدم تعادل اقتصادی و متعاقباً به مهاجرت‌های بین‌المللی، گسترش بی‌رویه شهرنشینی، کاهش جمعیت روستاها و دیگر عوالب وخیم و هراس‌انگیز خواهد انجامید.

مشکل انفجار جمعیت، مشکل یک خانواده، یک شهر و یک کشور نیست بلکه مشکل بشریت است و اگر در مدت زمانی محدود (خیلی محدود) راهی منطقی برای حل آن اندیشیده نشود باید منتظر وقوع تمام عوارض و عوالب آن باشیم. با توجه به آنچه گذشت و مدافله در ارقام ذکر شده، لزوم گسترش آگاهی‌های جمعیت‌شناسی بخوبی احساس می‌گردد. سبب ترجمه کتاب حاضر نیز چیزی جز این نیست. امید آنکه گسترش دانسته‌های علمی آماری و جمعیتی بتواند راهگشای اشاعه‌ی فرهنگی صحیح و اصولی باشد تا آنجا که راه حل‌های ارائه شده توسط جمعیت شناسان و آماردانان، در جامعه فرهنگمند ما، پذیرشی شایا و بایا داشته باشد.

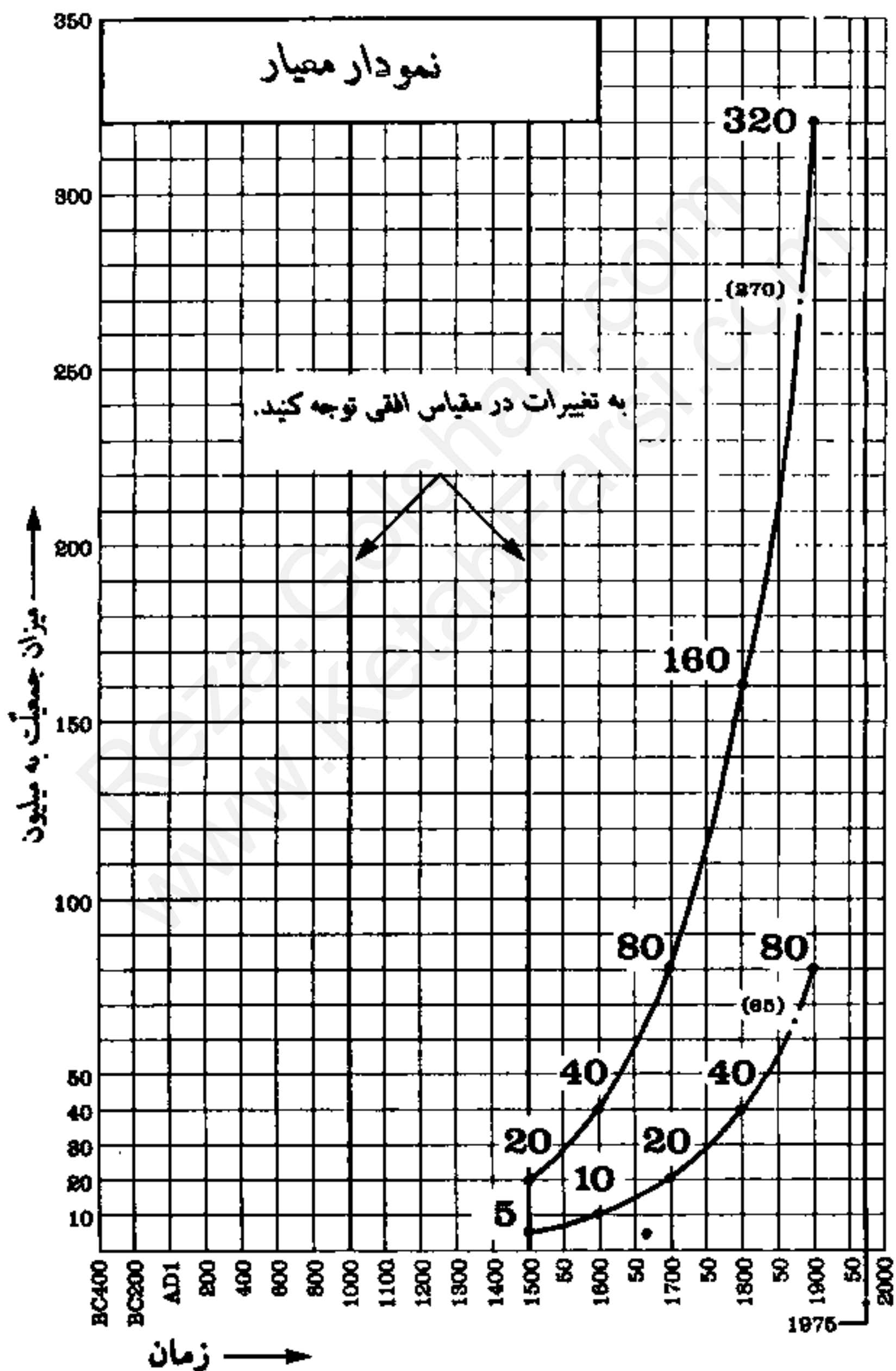
سخن مترجمان

همواره ذهن آدمی در پی آگاهی یافتن از پیشینه تاریخی خود و جایگاه کنونی اش در طول زمان بوده است. شناخت جمعیت بشری و دست یافتن به آگاهی‌هایی در خور و بایسته درباره سیر تاریخی جمعیت جهان، به منزله بخشی از پیشینه تاریخی بشری، اهمیت ویژه‌ای دارد. انسان پیوسته بر آن بوده است تا از تعداد جمعیت در طول تاریخ و عوامل مؤثر در کاهش و افزایش و توزیع جمعیت و هر چه در این کاستیها و فزونیها نقش مهمی داشته، آگاهی یابد و بر پایه قانونمندی‌هایی به سیر تدریجی تغییرات جمعیتی در جامعه‌های پیشین دست یابد. این نگرستن به جمعیت جهان در روند تاریخ، با تحلیل موقعیت کنونی جمعیت و مشکلات مربوط به آن، پیوندی کاربردی دارد. مطالعه تاریخی جمعیت جهان، از دانش‌هایی همچون جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، علوم سیاسی، جغرافیای طبیعی، اقتصاد، آمار، بهداشت و ... به فراخور، یاری می‌جوید و در قلمرو جمعیت‌شناسی، به بررسی تعداد جمعیت، توزیع جمعیت، ساختمان جمعیت، حرکات و تغییرات جمعیت، در روندی تاریخی می‌پردازد.

همان‌گونه که نویسندگان و پژوهشگران کتاب حاضر در «پیشگفتار» یادآور شده‌اند، جمعیت جهان از سال ۴۰۰ ق.م. تا ۱۹۷۵ م. در این پژوهش به طور دقیق بررسی شده است و تا سال ۲۰۰۰ م. آمارهای پیش‌بینی جمعیت ارائه می‌شود. مترجمان، شایسته و بایسته دانستند که به سبب امروزی‌ن ساختن آمارهای جمعیتی، در زیر برخی از نمودارها و جدولها و گاه در متن کتاب، جمعیت آن پهنه را در سال ۱۹۹۰ م. به دست دهند. آمارهای جمعیتی که به متن افزوده شده از کتابی است با این کتابشناسی:

محمدرضا عسگری، سالنامه جمعیتی جهان (۱۹۹۰)، پژوهشی در گیتاشناسی جمعیت، تهران، شهریور ۱۳۶۹. ارقام افزوده شده در درون [] قرار داده شده‌اند و افزوده‌های مترجمان با عدد در متن مشخص شده و در پانوشته‌های هر فصل ارائه شده است.

مترجمان بر خود لازم می‌دانند از کوششهای دوست گرانمایه جناب آقای هاشم جوادزاده که متن کتاب را ویراستاری کردند و نیز به سبب راهنمایی‌های سودمندشان، صمیمانه سپاسگزاری نمایند. همچنین زحمات انسان نیک نهاد جناب آقای مهندس ناصر غفاری و تمامی دست‌اندرکاران «انتشارات یاندا» که وسایل چاپ و نشر این کتاب را به نحوی شایسته فراهم کردند، در خور قدردانی و موجب خرسندی و امتنان خاطر است.



پیشگفتار

هدف این کتاب، ارائه آمار جمعیت همه کشورهای جهان، در دوره‌های زمانی مشخص در طول تاریخ است. منظور ما از «کشورها» ملت‌های کنونی جهانی است که سرزمین‌هایشان، براساس مرزبندی‌های سال ۱۹۷۵ میلادی تعیین شده است. مقصود از «اکنون»، در حال حاضر و «امروزه» در سراسر کتاب، سال ۱۹۷۵ است.

نمودار، اساسی‌ترین شیوه بیان مقصود ماست. تمام نمودارها، محورهای افقی یکسانی دارند که از سال ۴۰۰ پیش از میلاد تا سال ۲۰۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در این مقیاس، دو تغییر در سال‌های ۱۰۰۰ میلادی و ۱۵۰۰ میلادی، به چشم می‌خورد. محورهای عمودی در هر نمودار متفاوتند، تا نشانگر جمعیت‌های مختلف باشد.

فوائد این نوع نمودار بخوبی روشن است. مشکل اصلی آن است که برای تغییرات در نسبت رشد جمعیت وسیله‌ای هینی و درخور اعتماد وجود ندارد. هر دو رقمی که در نمودار صفحه پیشین ترسیم شده‌اند، در سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی به یک نسبت افزایش می‌یابد - و آن گونه که ارقام نشان می‌دهد هر صدسال، ۲ برابر می‌شوند - اما از آن جا که نقطه آغازین یکی از این دو، چهاربرابر دیگری است، رشد بیشتری در آن ظاهر می‌شود.

ارقام منحنی‌های جمعیت با واحد «بلیون» مشخص می‌شود. مثلاً ۱۶۰ نشان دهنده ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ می‌باشد. این ارقام با نقاط پررنگ روی منحنی جمعیت و محور افقی زمان مطابقت می‌کنند. ارقام جمعیت سال‌های ۱۸۷۵ و ۱۹۲۵ - که گهگاه ذکر شده‌اند - در درون دوحلال () قرار داده شده است. مثلاً جمعیت دو سال مذکور در نمودار معیار، نشان دهنده جمعیت‌هایی معادل ۲۷۰ و ۶۵ میلیون در سال ۱۸۷۵ است.

تمامی ارقام با روش زیر گرد شده‌اند:

کمتر از ۱ میلیون	با تقریب ۰/۱ میلیون
بین ۱ تا ۱۰ میلیون	با تقریب ۰/۲۵ میلیون
بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون	با تقریب ۰/۵ میلیون
بین ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون	با تقریب ۱ میلیون
بیش از ۱۰۰ میلیون	با تقریب ۵ میلیون
بیش از ۱ میلیارد	با تقریب ۲۵ میلیون

برای ارقام کمتر از ۰/۱ میلیون نموداری رسم نشده است.

کوشش ما بر این است که همراه هر نمودار، توضیحی ارائه دهیم تا استفاده بیشتری از نمودارها میسر گردد. واحد «میلون» در اینجا نیز رعایت می‌شود. در متن کتاب از مراجع و منابعی که ارقام را از آنها اخذ کرده‌ایم، بحثی به میان نمی‌آید؛ زیرا آماری که این گونه منابع، با تقریب ارائه می‌کنند، موجب ملال خواننده خواهد شد. در پایان بررسی جمعیت هر کشور، منابع عمده‌ای که خواننده می‌تواند به آنها رجوع کند، معرفی می‌شوند. سپس کتابشناسی، منابع دیگری را - که از اهمیت کمتری برخوردارند - ارائه می‌دهد. مشخصات منابعی که فقط یک بار به آنها ارجاع شده است نیز کاملاً درج می‌شود. نام نویسندگان یا مقاله‌ای که چندبار در کتابشناسی مورد مراجعه بوده، با ستاره * مشخص شده است و مشخصات کامل در کتابنامه پیوست انتهای کتاب ذکر می‌شود.

نمونه‌هایی از جمعیت امپراتوریهای پیشین و قلمروهای پادشاهی با منحنیهای جداگانه ارائه می‌شود و معمولاً بطور مختصر درباره آنها بحث می‌شود. قلمروی این امپراتوریها، همواره مشخص نیست. پادشاهی فرانسه و امپراتوری ناپلئون را در «منطقه ۳ اروپا: فرانسه» می‌توان یافت، اما امپراتوری روم در «اروپا: بررسی کلی» مورد بحث قرار می‌گیرد. بالاترین میزان جمعیت امپراتوری بریتانیا بر روی نموداری با امپراتوری چین و دیگر امپراتوریهای قدرتمند مقایسه می‌شود. تنها راه مطمئن برای یافتن این مسائل جنبی تاریخی استفاده از فهرست نامهاست.

پیش از این روشن شد که ترتیب این کتاب بر اساس مرزبندیهای جغرافیایی است. پنج بخش اصلی، دربرگیرنده پنج قاره اروپا، آسیا، آفریقا، امریکا و اقیانوسیه است. برای هر قاره بررسی جامعی تحت عنوان «بررسی کلی» ارائه می‌شود. سپس به بررسی مناطق هر قاره با کشورهای تشکیل دهنده آنها می‌پردازیم. این بدان معنی است که مطالب تکراری در متن به چشم می‌خورد که گزیری از آنها نیست، زیرا ما معتقدیم که هر تفسیر باید دربرگیرنده محدوده خاص خود باشد.

این کتاب می‌تواند به عنوان کتابی مرجع، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین خواننده علاقه مند قادر خواهد بود بردیهای کلی را به طور متناوب - و در زمانهای کوتاه - از نظر بگذراند. اما یقیناً کسی نمی‌تواند بیش از چند بررسی از مناطق را بدون تأمل و تفکر بخواند. پیشنهاد می‌شود هر منطقه در یک نوبت بررسی شود تا نتیجه بهتری به دست آید.

دانش پژوهانی که از این کتاب بهره می‌گیرند، ممکن است آن را خسته کننده و حتی محققان نیز آن را مشکل بیابند. امروزه نمی‌توان جمعیت برخی کشورها را با اطمینان تخمین زد. هنگامی که برای گذشته‌های دور و نامعلوم بنحوا می‌ارقامی را ذکر کنیم، چه بسا بحثهای دقیقتری نسبت به تخمینهای ما

وجود داشته باشد.

ما موضوع را ارزشمند یافتیم، درخیر این صورت اقدام به نوشتن آن نمی‌کردیم. همچنان که کار نگارش پیش می‌رفت، اطمینان و اعتماد به نفس بیشتری احساس می‌کردیم که مطالب بیشتری دربارهٔ میزان جمعیت دوران باستان^۱ و اوایل سده‌های میانه، نسبت به تصور قبل از نگارش کتاب، وجود دارد. آنچه که ما دربارهٔ احتمال کمترین و بیشترین میزان جمعیت تخمین زده بودیم با آنچه قبلاً تصور می‌کردیم، نزدیکی قابل توجهی داشت. در حقیقت، هنگامی که تمامی شیوه‌های دستیابی به آمار صحیح در نظر گرفته می‌شود، یکی از آنها با پاسخی صحیح و منظم ارائه می‌شود. تاریخ، مطالعه‌ای مستمر برای جمع آوری اطلاعات است. ما در صدد به دست آوردن نظریهٔ مناسبی در مورد میزان رشد جمعیت جامعه در دورانهای باستانی هستیم، یعنی دربارهٔ تراکم مردم چادر نشین و وسعت کشاورزی دوران نوسنگی^۲ و صنعت قرون وسطایی.

بنابراین حتی زمانی که دستیابی به اطلاعاتی دربارهٔ برآورد جمعیت مشکل به نظر می‌رسد، باز هم می‌توان منابعی را یافت و در بررسیها به نکاتی قابل توجه پی برد. مثلاً وجود مدارکی متقن، افزایش مضاعف جمعیت کشورهای اروپایی از سال ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی را اعتبار می‌بخشد. همچنین این افزایش برای دیگر کشورهای اروپایی که مدارکی از آنها در دست نیست، می‌تواند در نظر گرفته شود. مجموعهٔ منحنیهای این کتاب به تنهایی مفهوم خاصی را ارائه نمی‌کنند. مسلماً کثرت نمونه‌ها نمی‌تواند دلیل باشد، اما یقیناً مؤید نظرات ماست. ما منکر فرضی بودن تخمینهایمان دربارهٔ جمعیت دوره‌های پیشین نیستیم، اما برای به دست آوردن نزدیکترین ارقام، نهایت کوششمان را کرده‌ایم.

۱ - امریکاییان برای عدد 10^9 از لفظ بلیون استفاده می‌کنند.

۲ - دوران باستان Classical دوران شکوفایی تمدنهای یونان و روم. م.

۳ - دوره نوسنگی یا نئولیتیک neolithic یکی از دوره‌های پیش از تاریخ که مربوط به عصر حجر بود. م.

Reza.Golshah.com
www.KetabFarsi.com

سرآغاز

نخستین انواع انسانهای امروزی، تقریباً ۵ میلیون سال پیش در آفریقا پدیدار شدند. تفاوت اصلی بین آنها و اجدادشان - انسان ریختها^۱ - آن بود که انسان بر روی دو پا راه می‌رفت. انسان ریختهانیز در صورت نیاز می‌توانستند بایستند، با وجود این، معمولاً در راه رفتن از دستها و پاهایشان استفاده می‌کردند. در مقابل، بشر نخستین هرگز دستهایش را برای تحمل وزن بدن به کار نگرفت. هوشمندی توأم با تعقل موجب شد انسان بزودی از دستهای بدون استفاده خود در دیگر کارها بهره برد - روندی از اکتشاف که سرانجام به ابزارسازی که فعالیت خاص بشری است، منجر شد (در صورتی که انسان، حتی به اندازه میمون دارای هوشمندی نبود، به نظر می‌رسید وجود دستهای آزاد برای آدمی بی‌بهره باشد. در طبقه بندیهایی پایین‌تر حیوانات، مهره‌داران دوپایی همچون تیرانوسورها^۲ و کانگوروها بتدریج دارای دستهای کوچکی شدند).

در سیر تکاملی انسانهای اولیه، به نظر می‌رسد که توانایی وسعت بخشیدن به فعالیت‌های جدید با افزایش حجم مغز تجلی کرد. پس از ۲ میلیون سال حجم جمجمه انسان ۵۰٪ افزایش یافته است، یعنی از ۶۰۰ سانتیمتر مکعب در نخستین انسان، «اوسترالوپیتکوس»^۳ - که اندکی بیش از حجم مغز ۵۰۰ سانتیمتر مکعبی گوریل است - به ۹۰۰ سانتیمتر مکعب در انسان اولیه به نام «هوموآرکتوس»^۴ (پتیک آنتروپ) رسیده است. افزایش نهایی حجم مغز «هوموساپینس»^۵ که در حدود ۱۰۰۰/۰۰۰ سال پیش می‌زیسته، به طور متوسط ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب بوده است.

تعداد میمونهای بزرگ امروزی بی‌شمار نیست. بر پایه آمارهای به دست آمده از محدوده‌های شناسایی شده و بررسیهای صحرائی، که به طور میانگین بر وجود یک گوریل در هر کیلومتر مربع دلالت دارد، شمار آنها در حدود ۷۰/۰۰۰ تخمین زده شده است. تراکم جمعیت شپانزه‌های

کوچکتر بیش از گوریلهاست، یعنی در حدود ۳ تا ۴ شمپانزه در یک کیلومتر مربع. چون محدوده زندگی شمپانزه‌ها تقریباً ۱۰ برابر محدوده گوریلهاست، مجموع تعداد آنها احتمالاً بیش از یک میلیون نفر می‌باشد. این ارقام را می‌توان در مورد تعداد «اوسترالوپیتکین»^۶ حدّ بالا و پایینی در دو یا سه میلیون سال پیش پنداشت.^۷

پیدایش نخستین انسان (هومو اکتوس) با گسترش وسیع محدوده‌های جغرافیایی همزمان بوده است. بنابراین آگاهیهای ما، اوسترالوپیتکوس فقط در افریقا زندگی می‌کرده، حال آن که بقایای هومو اکتوس از اروپا تا اندونزی پیدا شده است. چون غیر محتمل به نظر می‌رسد که این انسان به شیوه‌های تهیه لباس مورد نیاز برای زندگی در قطب شمال و راههای مبارزه با هوای سرد دست یافته باشد (در غیر این صورت لازم است «تنگه برینگ»^۸ و امریکا را کشف کرده باشد) ما می‌توانیم محدوده زندگی را (تا جنوب دنیای قدیم^۹ در پهنای جغرافیایی ۵۰° (بجز استرالیا) برآورد کنیم. پهناوری این منطقه تقریباً ۶۸ کیلومتر مربع است. در صورتی که یک چهارم این منطقه واقعاً قابل سکونت بوده باشد و تراکم جمعیت را یک نفر در ۱۰ کیلومتر مربع بپنداریم، می‌توان تعداد هومو اکتوس را ۱/۷۰۰/۰۰۰ نفر برآورد کرد.

چرا ما تراکم جمعیت هومو اکتوس را در هر ۱۰ کیلومتر مربع یک نفر تخمین می‌زنیم، حال آن که انبوهی تعداد گوریلها - که تقریباً از نظر جثه قابل مقایسه با هومو اکتوس بودند - بیش از ده برابر این تعداد، انگاشته می‌شود؟ علت آن است در حالی که انسان سیر تکاملی را می‌پیمود، در پی آنچه که زیست‌شناسان آن را «زنجیره غذا»^{۱۰} نامیده‌اند، بر جمعیتش افزوده می‌شد. منشأ تمام انرژی حیوانی، در نهایت از فرآیند فتوسنتز گیاهان است. حیوانات علفخواری که خود توسط گوشتخواران صید می‌شدند از گیاهان تغذیه می‌کنند. چون هر گوارش و سنتز مجدد، در صد انرژی کمتری تولید می‌کند، از رده گیاهخواری به گوشتخواری ضرورتاً کاهش در جمعیت هر منطقه به چشم می‌خورد. گوریل به طور کلی علفخوار است و تقریباً از گیاهان داخل جنگل تغذیه می‌کند. انسان نخستین همواره از گیاهان در رژیم غذایی خود بهره می‌برد و چه بسا مصرف گیاهان بر غذاها چیرگی داشت. اما در صورت امکان نیمی از غذای انسان را گوشت تشکیل می‌داد. انسان به علت هضم بیشتر غذاهای وافر گیاهی همچون علف و برگ درختان، پس از مدتی در زنجیره غذایی خود تغییری ایجاد کرد. در نتیجه ضرورت داشت تراکم جمعیت انسان به طور منظم از تعداد گوریلها کمتر باشد.

این یک بحث نظری است. اما آنچه ما درباره تراکم جمعیت بدان معتقدیم، یعنی وجود یک نفر در هر ۱۰ کیلومتر مربع، در سرزمینهای قابل سکونت و دو تا سه نفر در هر ۱۰۰ کیلومتر در مجموع سرزمینها، توسط آماری درباره جمعیت انسانهایی که هنوز به شیوه‌های بدوی در عصر جدید می‌زیند - بویژه بومیان استرالیا - مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به تغییر در تخمینهای تراکم و آمار مجموع جمعیت پس از تبدیل هومو اکتوس به هوموساپینس نیازی احساس نمی‌شود. احتمالاً جمعیت پس از ۷۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، به هنگام آغاز واپسین عصر یخبندان^{۱۱}، و به سردی گراییدن آب و هوا که مانعی در برابر زندگی مساعد در زیستگاه آدمی بود، به ناچار اندکی کاهش یافته باشد. اما سرانجام هوموساپینس، بر خلاف

هوموارکتوس، شیوه‌های زندگی و سازگاری با آب و هوای سرد را آموخت. این موضوع نتایج مهمی در پی داشت: به هنگام عقب‌نشینی یخچالها، دسته‌ای از شکارچیان در مدار قطب شمال به تعقیب گله‌های ماموتها پرداختند. در این پهنه، شکارچیان پلی را در تنگه برینگ که در دورانهای معینی از عصر یخبندان وجود داشته است، کشف کردند. احتمالاً حدود ۲۵۰۰۰ ق.م و شاید هم ۱۰۰۰۰ ق.م، اینان به امریکای شمالی راه یافتند و در طول چندین سده از دومین تاریخ احتمالی در سراسر قاره امریکا گسترش یافتند. پیش از این، دیگران به سفرهایی در مسیر مجمع‌الجزایر اندونزی تا استرالیا دست زدند.

گسترش جمعیت بشری به قاره امریکا، عرضهای شمالی‌تر و استرالیا، به طور مؤثری قلمرو انسان را گسترش داد. همچنین با مساعد شدن هوا، جمعیت انسانها در ۱۰۰۰۰ ق.م. احتمالاً بیش از دو برابر جمعیت در ۱۰۰۰۰۰ سال پیش از میلاد بوده است. بنابراین، به هنگام پسروی نهایی یخچالها، جمعیت بشر حدود ۴ میلیون نفر بوده است.

این روند جمعیت از رشد خوبی برخوردار بود. این افزایش تقریباً از گستردگی محیط زیست سرچشمه می‌گرفت و در آن زمان، این مرحله به حد نهایی خود رسیده بود. افزایش بیشتر فقط از طریق تراکمهای بیشتر می‌توانست امکان پذیر باشد.

این مسأله با تحوّل در زنجیره غذایی بدین سان عملی شد: انسان به این نکته پی برد که گرچه گیاهان اندکی برای تغذیه آدمی وجود دارد، خود با کاشت این گیاهان می‌تواند به اندازه کافی از آنها بهره ببرد. دورانی که در شیوه‌های زندگی مردم تغییراتی ایجاد شد، به تعبیرهای گونه گون انقلاب «عصر نوسنگی»^{۱۱} و «انقلاب کشاورزی» نامیده شده است. علت نامگذاری عصر نوسنگی آن است که انسان شناسان از آن در تفکیک عصر پارینه سنگی^{۱۲} از عصر جدید یا نوسنگی استفاده می‌کنند و علت نامگذاری انقلاب کشاورزی نیز آن است که با پیدایش این شیوه تولید غذا، فعالیت‌های دستیابی به غذا که در گذشته تنها راه گذران زندگی بود، به کناری گذاشته شد. مکان و چگونگی وقوع انقلاب کشاورزی همچنان در خور بررسی است. تئوریهایی که منشأ انسان را از بیش از یک منطقه می‌داند، در حال محو نظریه تک منشایی پیدایش انسان در خاور نزدیک است. به هر حال ما می‌توانیم دست کم به طور موقتی از این موضوع چشم‌پوشیم، چون ما اکنون انگاره‌های جهانیان را بررسی نمی‌کنیم، بلکه اقلیم به اقلیم و سرزمین به سرزمین، سیاره زمین را مورد پژوهش قرار می‌دهیم.

پانوشتها:

1-Apes

۲ - تیرانوسور Tyrannosaur: نوعی دایناسور گوشتخوار، که یکی از بزرگترین جانوران در تمام اعصار به شمار می‌آید. طول بدن آن در حدود ۱۴ متر و جمجمه این حیوان بیش از ۱/۵ متر بوده است. بلندای آن تقریباً ۶۰ متر و وزنش نزدیک به ۸۰ تن بوده است. این جانور بزرگ جثه، بر روی دو پای عقبی خود راه می‌رفته و در دوره کرتاسه، در ایالت وایومینگ امریکا می‌زیسته است. م.

۳ - اوسترالوپیتکوس Australopithecus: قدیمی ترین فسیلی که در مورد آدمی بودن آن اتفاق نظر وجود دارد، متعلق به اواخر پلیوسن یعنی ۲ میلیون سال پیش، از جنس اوسترالوپیتکوس است. ظاهراً این انسان تا نیم میلیون سال پیش می زیسته است. م.

۴ - هومو ارکتوس Homo - Erectus: قدیمی ترین نوعی که از جنس هومو شناخته شده، هومو ارکتوس است که نام نخستین آن پتیک آنتروب بوده است. این انسان از ۶۰۰/۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰ سال پیش می زیسته است. زیرنوعهایی از آن در جنوب شرقی آسیا (انسان جاوه)، چین (انسان پکن)، اروپا (انسان هایدلبرگ) و در بسیاری از نقاط دیگر شناخته شده اند. م.

۵ - هومو ساپینس Homo-Sapiens: در حدود ۶۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ سال پیش هومو ارکتوس، هومو ساپینس - نوع ما - را به وجود آورد. نخستین زیرنوعهای این انسان در افریقا (انسان رودزیا)، جاوه (انسان سولو)، انگلستان (اسوانکومب) و در قاره یکپارچه اروپا - آسیا (انسان تاندرتال) پیدا شده اند. م.

6 - Australopithecine

7 - George Schaller, The Year of the Gorilla , 1965 , PP. 104 - 200

8 - Bering Strait

۹ - بنا به نظریه وگنر درباره اشتقاق قاره‌ها، در گذشته یک قاره پهناور به نام پانجه آ (Pangaea) و یک اقیانوس بزرگ به نام پانتالاسا (Panthalassa) وجود داشته است. در چند میلیون سال پیش، پانجه آ شروع به تجزیه شدن کرد و تبدیل به لورازیا (Laurasia) و گندوانا (Gondwana) شد که اولی شامل امریکای شمالی، گرینلند و بیشتر قسمت‌های آسیا اروپای امروزی است و دومی آمریکای جنوبی، افریقا، قطب جنوب، هندوستان و استرالیای کنونی را شامل شده است. سپس قطعات دیگری از این دو قاره جدا شدند. دنیای قدیم به این دو قاره اطلاق می شده است. م.

10 - Food Chain

۱۱ - چهار دوره یخچالی تشخیص داده شده که هر کدام ۵۰ تا ۷۰ هزار سال به درازا کشیده و آخرین آنها ۱۱۰۰۰ سال پیش بوده است. در حدود ۲ تا ۳ هزار سال پیش وضع یخچالها به صورت کنونی درآمد. م.

12 - Neolithic (New Stone Age)

۱۳ - پارینه سنگی (پالئولی تیک) Palaeolithic: پیش از تاریخ دوره‌ای وجود داشته که از آغاز پیدایش بشر تا بدست آمدن نخستین اسناد و مدارک مکتوب ادامه داشته است و شامل عصر حجر و عصر فلزات می باشد. عصر حجر به سه دوره تقسیم میشود: پارینه سنگی (پالئولی تیک)، میانه سنگی (مزولی تیک) و نوسنگی (نئولی تیک). عصر فلزات را معمولاً مقارن شروع تاریخ می خوانند و شامل عصر مس، مفرغ و آهن است. م.

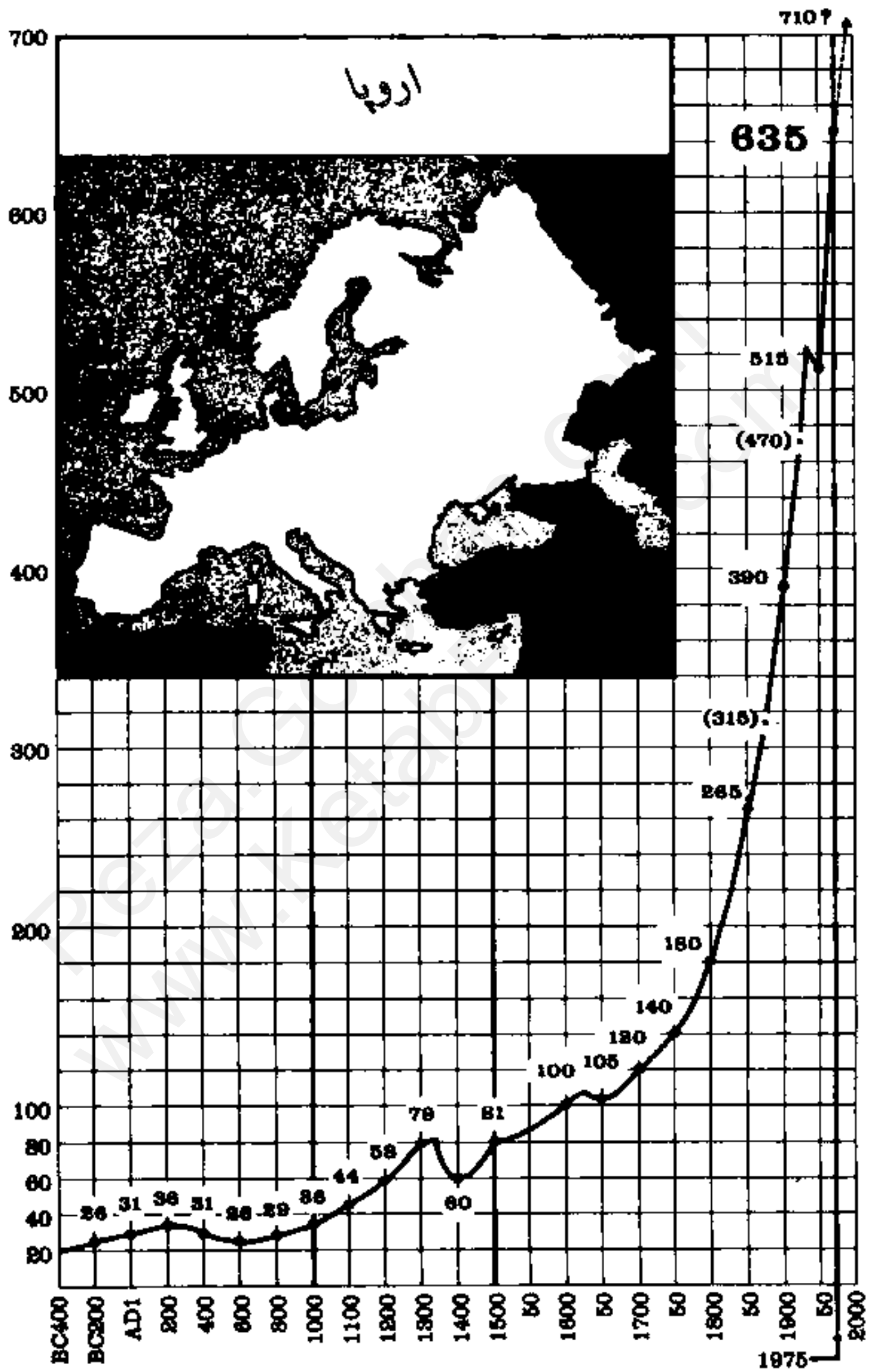
- جزایر بریتانیا ۱
 ۱ - ۱ انگلستان و ویلز
 ۱ - ۲ اسکاتلند
 ۱ - ۳ ایرلند
 ۲ اسکاندیناوی
 ۲ - ۱ دانمارک
 ۲ - ۲ سوئد
 ۲ - ۳ نروژ
 ۲ - ۴ فنلاند
 ۳ فرانسه
 ۴ کشورهای سفلا
 ۴ - ۱ بلژیک و لوکزامبورگ
 ۴ - ۲ هلند
 ۵ آلمان
 ۶ لهستان
 ۷ بخش اروپایی شوروی سابق
 ۸ چک و اسلواکی
 ۹ سوئیس و اتریش
 ۹ - ۱ سوئیس
 ۹ - ۲ اتریش
- ۱۰ مجارستان
 ۱۱ رومانی
 ۱۲ ایبری
 ۱۲ - ۱ اسپانیا
 ۱۲ - ۲ پرتغال
 ۱۳ ایتالیا
 ۱۴ شبه جزیره بالکان
 ۱۴ - ۱ یوگسلاوی
 ۱۴ - ۲ آلبانی
 ۱۴ - ۳ یونان
 ۱۴ - ۴ بلغارستان
 ۱۴ - ۵ بخش اروپایی ترکیه
 ۱۵ مجموعه جزایر
 ۱۵ - ۱ قبرس
 ۱۵ - ۲ مالت
 ۱۵ - ۳ ایسلند
 ۱۵ - ۴ مجمع الجزایر آزور
 ۱۵ - ۵ مادیرا
 ۱۵ - ۶ مجمع الجزایر قناری

بخش یکم

اروپا



تصویر ۱ - ۱ تقسیم اروپا به مناطق ۱۵ گانه



نمودار ۱ - ۲ جمعیت کلی قاره اروپا
 /جمعیت اروپا در ۱۹۹۰ م. ۷۱۰۰۰۰۰ / نفر

اروپا: بررسی کلی

۹/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع (بجز جزیره‌های منطقه ۱۵)

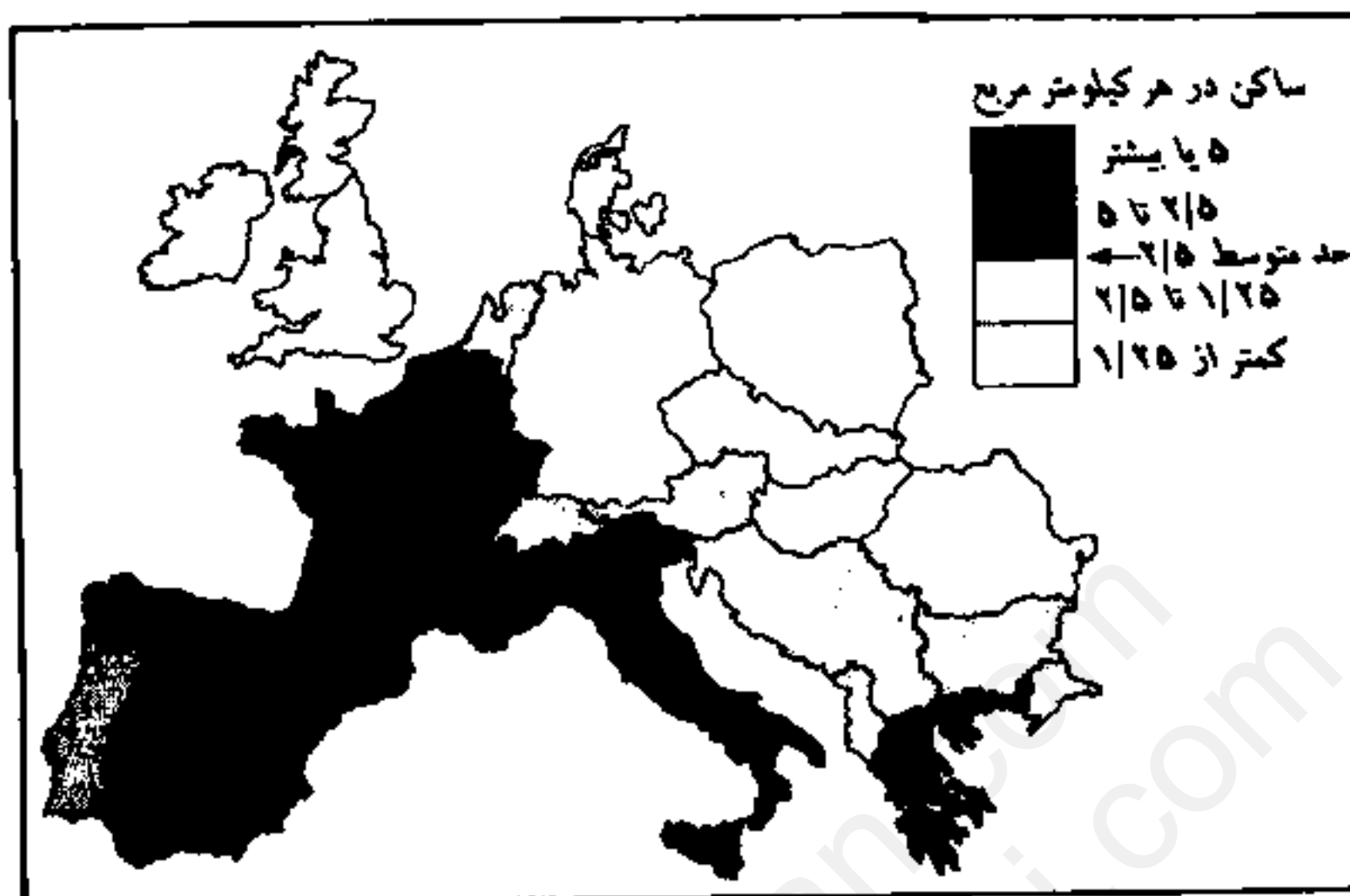
نخستین اروپاییان - شکارچیان عصر پارینه سنگی - هیچ‌گاه در بهترین وضعیت، تعدادشان به ۱۰۰/۰۰۰ نفر نرسید. در بدترین وضعیت - بویژه در طول دوره‌های سرد واپسین عصر یخبندان - تعداد آنها به طور چشمگیری کمتر از این بود. در پایان عصر یخبندان، تحولی در رهایی از این کاهش جمعیت پدید آمد. در طول بهتر شدن آب و هوا در دوران میانه سنگی^۱ (۱۰ هزار تا ۶ هزار سال پیش از میلاد) تعداد جمعیت آنها همچون بهترین شرایط آب و هوا در گذشته، افزایش یافت و سرانجام اندک اندک به ۲۵۰/۰۰۰ نفر رسید. سپس در انقلاب نوسنگی، در ۵ هزار سال پیش از میلاد افزایش چشمگیری در تعداد جمعیت آنان رخ نمود. مجموع جمعیت در این زمان بیش از یک میلیون نفر بود. این عصر همچنین موجب پیدایش نخستین تمایز مهم بین شیوه‌های سکونت بود، چون تراکم جمعیت یابندگان غذا در عصر پارینه سنگی ندرتاً به ۰/۱ نفر در هر کیلومتر مربع می‌رسید. در حالی که تراکم تعداد تولیدکنندگان غذا در عصر نوسنگی معمولاً یک نفر در هر کیلومتر مربع بود تا زمانی که این کشاورزان، مهاجرشان را از پهنه‌های جنوبی و غربی اروپا به پایان رسانند (بنا بر برآوردهای در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد)، جمعیت این قاره به بیش از ۲ میلیون نفر رسید.

در طول هزار سال بعدی که جامعه، وارد عصر مفرغ شد، افزایش ناهمگون جمعیت با مهاجرت از خاور نزدیک به اروپا آغاز شد. منطقه ورودی جمعیت، یونان بود که مهاجران از راه دریا وارد اروپا

می شدند. پیامد نهایی این مهاجرت علاوه بر افزایش دیگری در تعداد جمعیت، تغییر در شیوه توزیع آن بود. گرچه روند افزایش تعداد جمعیت یکنواخت بود، اما بر مبنای معیارهای جدید کند می نمود: در ۲۰۰۰ ق.م. مجموع جمعیت اروپا به ۵ میلیون نفر رسید و تا ۱۰۰۰ ق.م. این تعداد به ۱۰ میلیون نفر افزایش یافت.

تغییر در توزیع جمعیت مربوط به میزان افزایش چشمگیر غیر متناسب جمعیت در کشورهای مدیترانه‌ای بود. احتمالاً افزایش جمعیت در این کشورها بازتابی از بهبود وضعیت کشاورزی در خاور نزدیک از آغاز تاریخ بوده است. این فزونی در هر سرزمینی که از آب و هوایی مشابه برخوردار بود، به چشم می خورد. پیشرفت کشورهای مدیترانه‌ای که به منزله گذرگاه بزرگ طبیعی بود نیز می توانست به طور مؤثری موجب افزایش این مقدار جمعیت باشد. به هر علتی که بود تا پایان عصر مفرغ در ۱۰۰۰ ق.م.، تراکم جمعیت بیش از حد متوسط جمعیت اروپا، با ضریب ۳ در یونان و بیش از ضریب ۲ در ایتالیا بود (تصویر ۱ - ۳). این امر، زمینه جمعیت نگاری^۱ در زمان پیدایش جامعه باستان است. یونان به عنوان یک نمونه می تواند مورد بررسی قرار گیرد. بین ۱۰۰۰ ق.م. تا ۴۰۰ ق.م. جمعیت اروپا دو برابر شد، یعنی از ۱۰ میلیون نفر به ۲۰ میلیون رسید. در همین زمان جمعیت یونان سه برابر افزایش یافت و به مجموع نهایی ۳ میلیون رسید. این افزایش در یک برهه تاریخی شگفت انگیز است. این سؤال مطرح می شود که چگونه یونان - با توجه به وسعت اندک آن - نیروهای مهاجم را به عقب راند و با حمله‌ای متقابل و در نهایت با فرمانروایی اسکندر کبیر، امپراتوری بزرگ ایران را که از قلمرو یونان فاصله داشت تحت سیطره خود درآورد. یونان مردان جنگاوری داشت. این کشور همچنین دارای مشکلاتی بود که با تراکم جمعیت در زمینه محدودیت مالتوسی^۲ هماهنگ است. مهاجرت بی رویه جمعیت، علتی بر بحثهای پایان ناپذیر بود. پیروزیهای اسکندر در تصرف آسیای صغیر مشکل را حل کرد. رشد جمعیت یونان که پیش از این متوقف شده بود، اکنون به علت آنکه فرصتهای مخصوص خارجی به فشار اضافه جمعیت میهن افزوده شد جمعیت به طور واقعی رو به کاستی گذاشت. بین ۳۰۰ پیش از میلاد تا اول میلادی جمعیت از ۳ میلیون به ۲ میلیون کاهش یافت. تراکم زیستگاه نیز از بیش از چهار برابر حد متوسط اروپا به کمتر از دو برابر رسید.

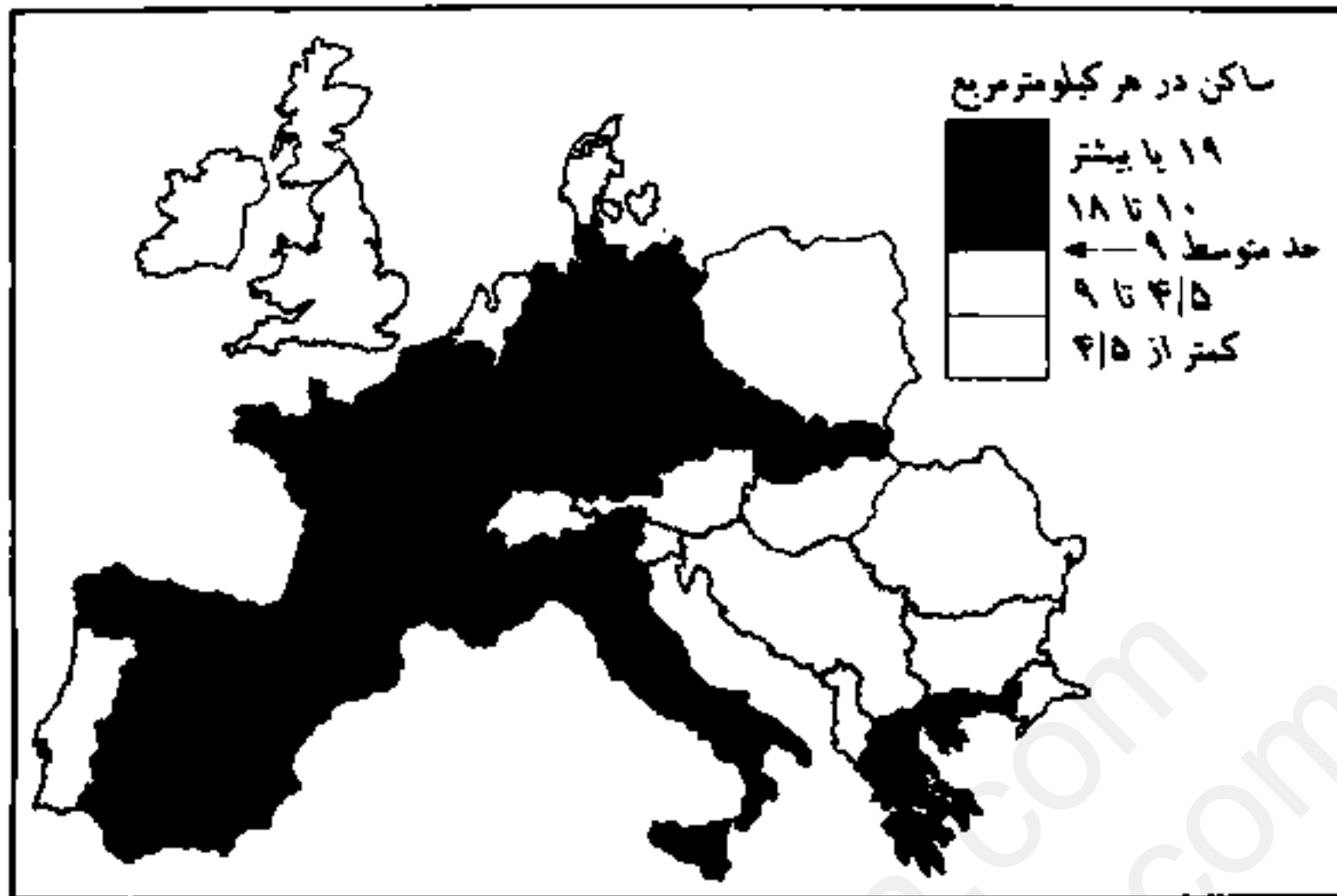
در زمانی که اسکندر به سوی شرق پیشروی می کرد، مرکز قدرت اروپا از شرق این قاره به سوی سرزمینهای غربی تر آن، یعنی ایتالیا، در حال جابجایی بود. با تسلط بر شبه جزیره ایتالیا و جمعیت ۴ میلیونی آن، رُم تشکیلات سیاسی را پی ریخت که به طور کامل بر تمامی کشورهای اروپایی تسلط داشت.



تصویر ۱-۳ تراکم جمعیت اروپا در ۱۰۰۰ ق.م.
 در شمال اروپا، ناحیه‌های خشک پهناوری وجود دارد که هیچ گاه به شکل درختان
 توجهی مسکونی نبوده است. از این رو ارقام تراکم جمعیت کشورهای نروژ، سوئد،
 فنلاند و بخش اروپایی روسیه بی معناست و آنها در این تصویر و تصاویر مشابه مورد
 توجه قرار نگرفته‌اند. حد متوسط جمعیت برای منطقه که بیش از ۳/۷۰۰/۱۰۰۰
 کیلومتر مربع می‌باشد، نشان داده شده است

پیامد سریع آن، جنگ با تنها قدرت عظیم مدیترانه غربی یعنی کارتاژ بود. پیامد نهایی این جنگ،
 تشکیل امپراتوری روم بود که در نهایت با گسترش قلمرو خود، تمامی کشورهای حاشیه دریای
 مدیترانه را در بر گرفت. این موفقیت باعث موفقیت‌های دیگری شد: در حالی که خراج ۴۸ ایالت به
 سوی پایتخت گسیل می‌شد، تراکم جمعیت ایتالیا بالاترین حد جمعیت یونان را پشت سر گذاشت. در
 حالی که تمام جمعیت اروپا تنها ۳۱ میلیون نفر بود، ۷ میلیون نفر در ایتالیا زندگی می‌کردند.

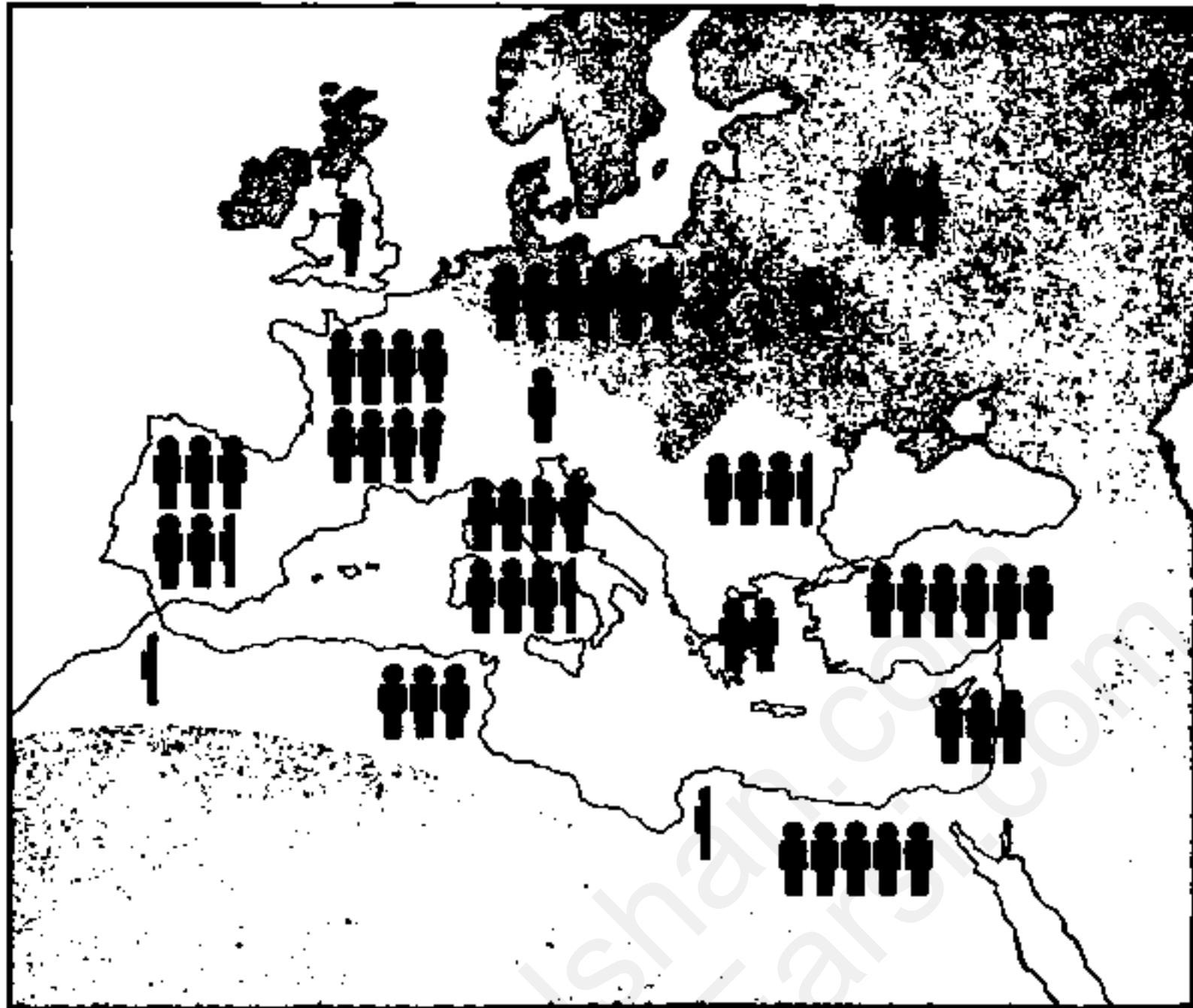
تا ۲۰۰ میلادی امپراتوری روم قدرتمندتر شد و تا این زمان ۴۶ میلیون نفر تبعه داشت که ۲۸
 میلیون از ۳۶ میلیون نفر جمعیت اروپا را در بر می‌گرفت (تصویر ۱-۵). این امر پیشرفت خوبی
 محسوب می‌شد. در پی آن جمعیت کاهش یافت و در چهار سده بعد نیز وضعیت وخیم‌تر شد. تعداد
 جمعیت با کاستی اقتصاد، کاهش یافت. مجموع کاهش جمعیت اروپا تا سال ۶۰۰ میلادی به ۲۶
 میلیون نفر رسید، ۲۵٪ کمتر از بیشترین میزان جمعیت در سال ۲۰۰ میلادی. کاهش جمعیت عمومی



نصوب ۱ - ۴ تراکم جمعیت اروپا در ۲۰۰۰ م.

بود و در اولین نگاه اینچنین می نمود که به علت بدی آب و هوا پدید آمده است. این مساله احتمالی بیش نبود. مشخص است که کاهش جمعیت در کشورهای مدیترانه بیش از کشورهای شمالی اروپا به چشم می خورد. در صورتی که هوا سردتر می شد این کاهش بر خلاف آنچه بود که انتظار آن می رفت. با آن که جامعه باستان بیش از اندازه توسعه یافته بود، این کاهش بسیار زیاد به نظر می رسید و کاهش قدرت نتیجه آن بود. علت آن هر چه که بود روند جدید کاهش نتایج جالبی در پی داشت. قدرت امپراتوری روم رو به کاستی گذاشت و در نهایت به سقوط آن منجر شد. تمدن باستان فروپاشید و به جای آن جامعه ای جدید فنودالی سده های میانه به وجود آمد.

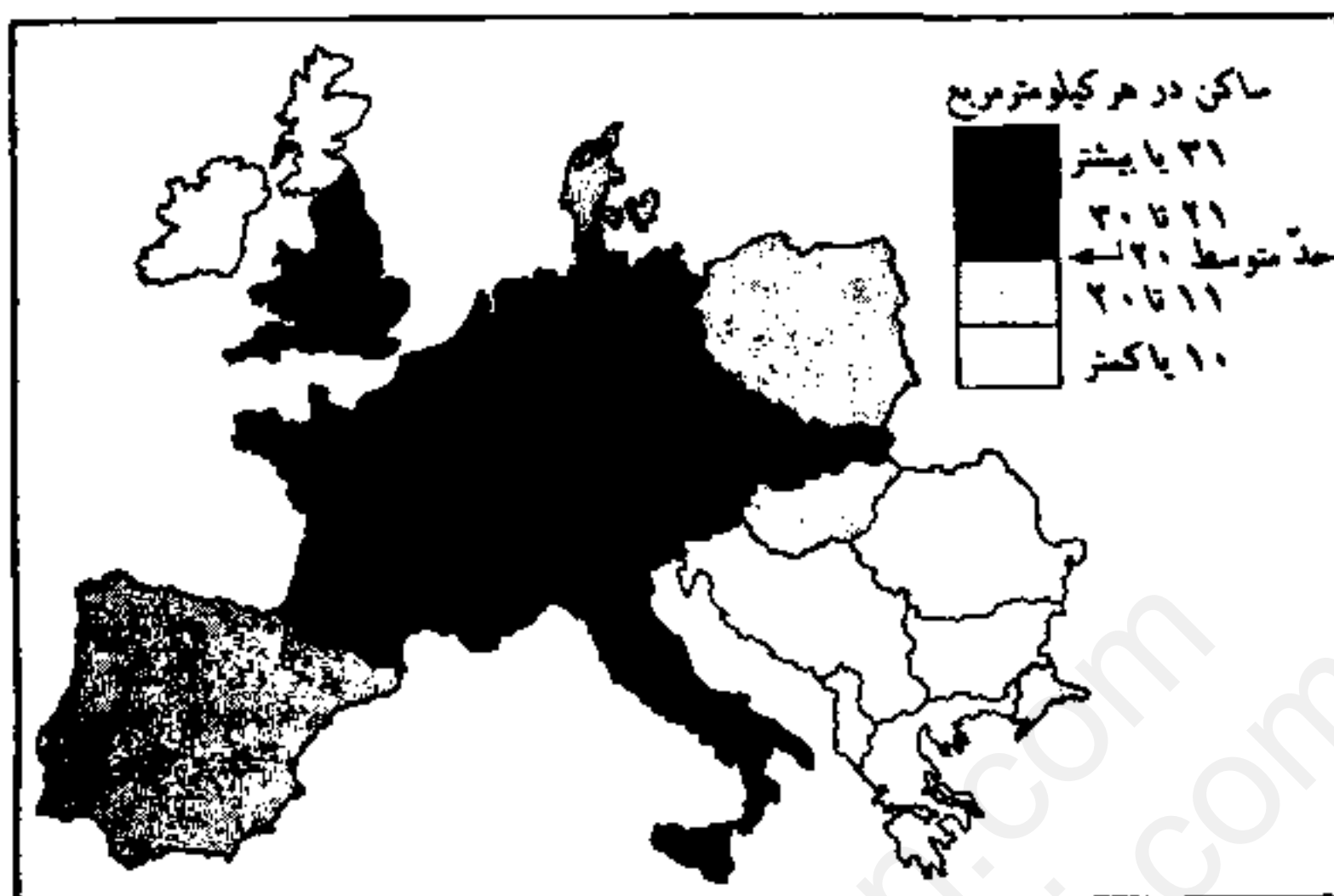
اروپا در سده هشتم میلادی، دستیابی به شیوه ای جدید را آغاز کرد و بار دیگر جمعیت آن افزایش یافت. جمعیت از ۲۶ میلیون در پایین ترین سطح در سده های میانه به ۳۰ میلیون تا سالهای اولیه سده نهم میلادی و به ۳۶ میلیون نفر تا سال ۱۰۰۰ م. - بهترین وضعیت دوران باستان - رسید. از این زمان روند رشد جمعیت رو به افزایش گذاشت و میزان آن شتاب بیشتری یافت. در سده یازدهم میلادی جمعیت به بیش از یک پنجم افزایش یافت. در سده دوازدهم این عدد به بیش از یک چهارم و در سده سیزدهم میلادی - اوج قرون وسطی - تا بیش از یک سوم رو به فزونی گذاشت. در آغاز قرن چهاردهم کل جمعیت به رقم بی سابقه ۸۰ میلیون نفر رسید.



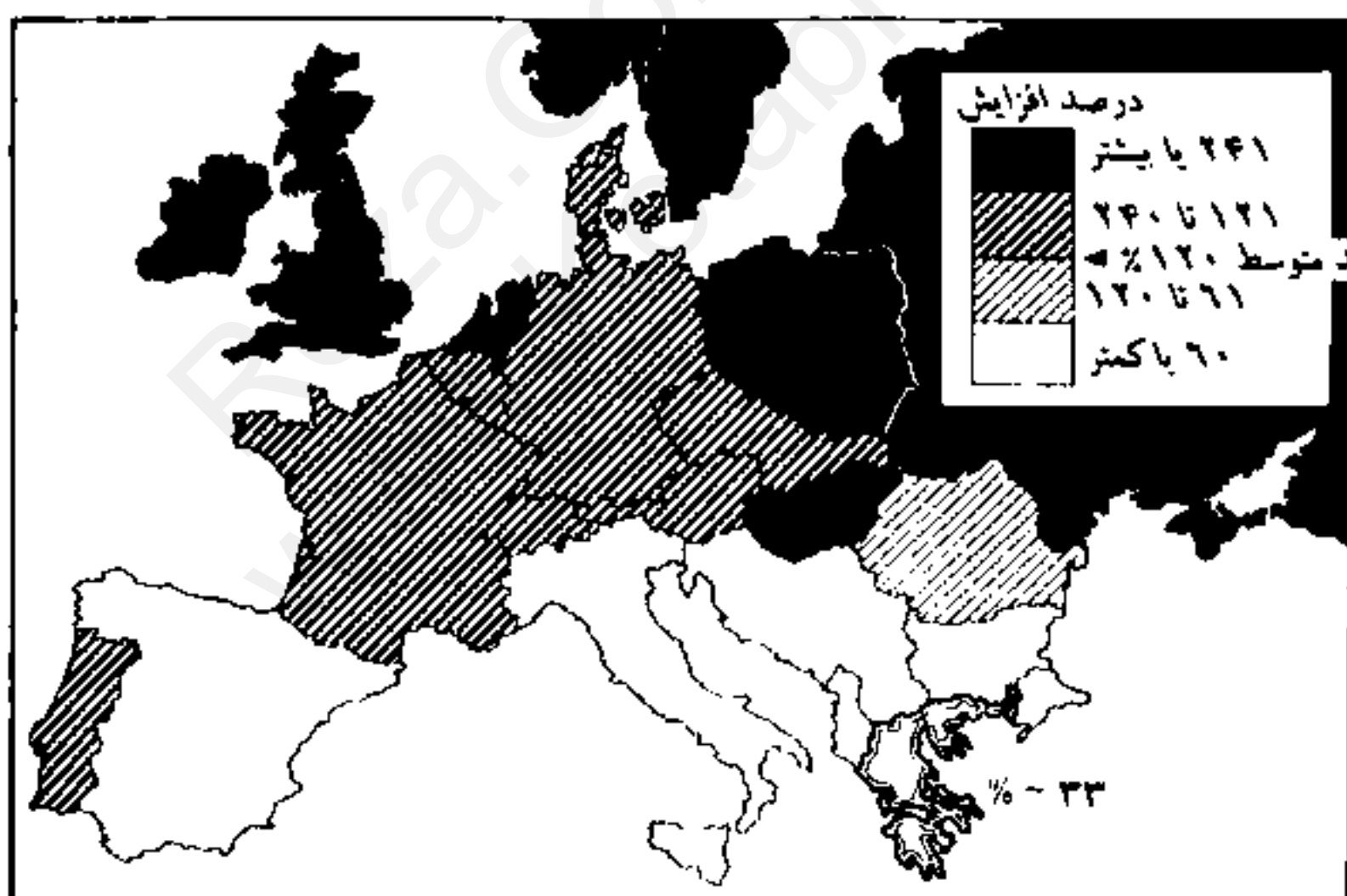
تصویر ۱ - ۵ جمعیت امپراتوری روم و بخشهای اروپایی خارج از امپراتوری در ۲۰۰۰ م. هر آدمک نشانگر ۱ میلیون نفر است.

جمعیت اروپا در این زمان به شکلی بس متفاوت نسبت به جمعیت دوران باستان در سرتاسر قاره پراکنده شد. مرکز جهان باستان کشورهای مدیترانه‌ای بود که در کناره محدودۀ اتصال یونان و ایتالیا قرار داشت، در حالی که مرکز اروپای نوین تمام قاره بود و شامل کشورهای قدرتمند می‌شد که به مناطق همسایه ایتالیا و بلژیک تقسیم شده بودند. کشورهای بالکان به‌طور کلی و بویژه یونان از مرکزیت کمتری برخوردار بودند.

روشن است که روند رشد جمعیت کشورهای اروپای شمالی و غربی بیش از کشورهای مدیترانه‌ای است. جمعیت اروپای شرقی نیز دارای چنین وضعیتی بود، هر چند به علت آن که تراکم جمعیت آنها بسیار پایین باقی مانده بود، در نقشه تراکم جمعیت ناپیدا است. تصویر ۱ - ۷ که افزایشهای درصدی را از دوران باستان نشان می‌دهد، این موضوع را آشکار می‌کند. حد متوسط جمعیت منطقه مدیترانه (برای تعیین آن نگاه کنید به نمودار ۱ - ۱۰) تنها ۳۶٪ بود. رقم قابل مقایسه آن با شمال غربی ۱۸۵٪



تصویر ۱-۶ تراکم جمعیت اروپا در ۱۳۰۰ م.



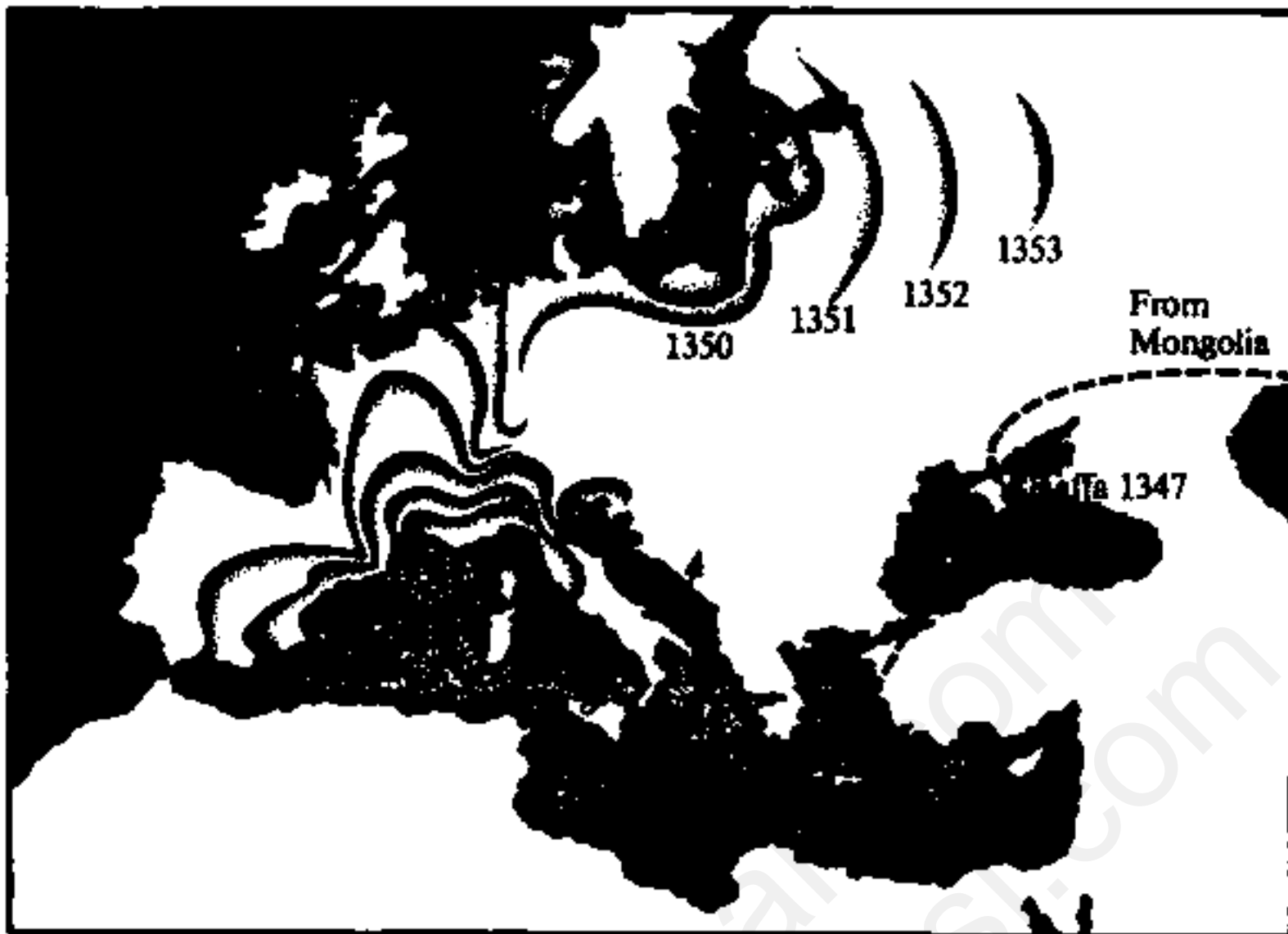
تصویر ۱-۷ تغییرات درصدی در جمعیت اروپا بین ۲۰۰ تا ۱۳۰۰ م.

و برای شرق بیش از ۲۸۵٪ است. در صورتی که این میزانهای متفاوت رشد جمعیت در طول یک یا دو سده بعدی حفظ می‌شد، جمعیت اروپای مدیترانه‌ای به‌طور قابل توجهی محدودتر می‌شد.

روند رشد جمعیت ثابت نماند. جوامع روستایی در صورتی می‌تواند این رشد را حفظ کند که زمین بیشتری را به زیرکشت برد و یا از همان زمینها بهره‌برداری بهتری کند. تا سال ۱۳۰۰م اروپا قادر نبود هیچ یک از این دو را انجام دهد. چرخهای صنایع این قاره بکندی در حال بهبود بود تا این که بتواند در کوتاه مدت کمکی باشد. در تمام سرزمینهای اروپا جمعیت وجود داشت. اثرات آن بزودی در سده چهاردهم نمایان شد. قیمت غذا افزایش یافت، کثیبت تغذیه مردم رو به بدی گذاشت و مرگ و میر فزونی یافت. افزایش زاد و ولد از بین رفت و نمودار جمعیت که روند رشد آن طی ۵۰۰ سال گذشته به مقدار بسیار زیادی افزایش یافته بود، ناگهان رو به کاستی گذاشت. این مسایل خوشحال کننده نبود، توقف رشد جمعیت تنها ناشی از فقر و مکننت بود. با این وجود اتفاقات بعدی بسیار ناراحت کننده تر بودند.

در ۱۳۴۷م طاعون فراگیری در کریمه شیوع یافت. این بیماری از مغولستان که بومی آن منطقه بود، توسط یکی از کاروانهایی که از جاده قدیم ابریشم عبور می‌کرد انتقال یافت. این بیماری، جان اروپاییانی را که در برابر انواع بیماریها مقاومت کمی داشتند، به مخاطره انداخت و تقریباً هیچ کس از طاعون در امان نماند. هر چند در گذشته، اروپا از تهاجمهای طاعون خیارکی رنج برده بود، اکنون مدت درازی بود که یقیناً اثری از آن نبود و فقدان فشار جایگزینی در طول سده‌های بینابین، جمعیت اروپا را از نظر ژنتیکی بی دفاع رها کرده بود. پیامد آن تجربه‌ای بود که تاریخ نگاران آن زمان، آن را «مرگ عظیم» نامیدند و مورخان امروزه از آن به «مرگ سیاه» یاد می‌کنند.

طاعون بیماری است که بر جانوران چوننده، ککها و انسان تاثیر می‌گذارد. کشتی‌ها در سده‌های میانه که این سه در آنها بسیار وجود داشت، وسیله‌ای مناسب برای انتقال و گسترش بیماری طاعون از کفاه، آخرین پایانه اروپایی جاده ابریشم، به بیشتر بنادر مدیترانه در طول ماههای کمی از سال بودند. گسترش طاعون از راه خشکی کندتر از راه دریا بود، اما فرانسه که در وضعیت بدی، از نظر انبوهی جمعیت روستایی در اروپا قرار داشت به منزله پلی بین مدیترانه و دریای سیاه محسوب می‌شد. تا ۱۳۴۸م. طاعون در هر دو سوی دریای مانس شدید بود. از این منطقه طاعون از طریق مجمع‌الجزایر بریتانیا و اسکاندیناوی به سواحل شرقی دریای بالتیک گسترانده شد. با وجود آنکه پیشرفت این بیماری کند بود و در مناطق کم جمعیت در شرق و جنوب شرقی قاره اروپا تعداد کمی را نابود کرد، اما



تصویر ۱ - ۸ شیوع طاعون در اروپا ۱۳۴۷ - ۱۳۵۳ م. طاعون در مناطق پرتراکم‌تر سریعتر گسترش یافت و در مقابل مناطق کم تراکم شبه جزیره بالکان و روسیه جنوبی در مقابل آن مقاومت کردند و آن را به سواحل دریای سیاه و ازه محدود کردند. هرچند سرانجام طاعون به مسکو رسید، این بیماری از طریق مناطق مدیترانه‌ای، فرانسه و دریای شمال و بالتیک وارد شد و نه از مسیر مستقیم ولگا.

سرانجام تمام اروپا را فراگرفت (تصویر ۱ - ۸).

بین یک چهارم تا یک سوم جمعیت اروپا به علت بیماری مسری سالهای ۱۳۴۷ م. تا ۱۳۵۳ م. جان باختند. این رویداد تراکم جمعیت را کاهش داد و موجب شد آنان که زنده باقی مانده بودند از عوامل مؤثر مالتوسی که باعث جلوگیری از رشد جمعیت در طول سده چهاردهم میلادی شده بود رهایی یابند. با آن که وضعیت بهتر شد، بیماریهای واگیر دیگری مانند طاعون موجب از بین رفتن مردم و در نتیجه کاهش جمعیت شد. تا سال ۱۴۰۰ م. جمعیت اروپا بیش از ۲۵٪ کمتر از حداکثر جمعیت در سده‌های میانه بود، یعنی در حدود ۶۰ میلیون که کمتر از ۸۰ میلیون در گذشته است و تنها در این زمان بود که روند رشد جمعیت بار دیگر ثابت باقی ماند. حتی در بسیاری از کشورها کاهش ناگهانی جمعیت بیش از فاجعه کاهش ۲۵٪ بود. چون بیشتر مناطق پر جمعیت همچون ایتالیا، فرانسه، انگلستان و هلند کاهش بیش از ۲۵٪ یعنی ۳۳٪ را تحمل کردند. در مقابل مناطقی که جمعیت